



۱۲۹۴۳۴



این رساله در تاریخ ۱۳۸۸/۰۶/۲۵
به شماره ۱۹ ثبت گردید و استناد دارد

دانشگاه شهید بهشتی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه تاریخ

سید الهام

پایان نامه دکتری

عنوان:

مالکیت خصوصی زمین در دوره ایلخانیان و تحول و دگرگونی آن در دوره تیموریان

استاد راهنما:

دکتر اللهیار خلعتبری

اساتید مشاور:

دکتر عطاءالله حسنی

دکتر کریم سلیمانی

دانشجو:

کوروش فتحی

۱۳۸۸/۱۰/۲۷

استاد محترم
سید الهام

شهریور ۱۳۸۸

۱۲۹۴۳۶

تقدیم به:

محبت‌های بیدریغ پدر و مادر عزیزم

و

هدلی و نکرانهای همسر عزیزم

و

شیرینی بی‌همتای زندگیم، ژینا جان

و

لطف بی‌مثال استاد کرامیم دکتر خلعتبری

چکیده

زمین داری و مالکیت آن از مسائل مهم در تاریخ اقتصادی ایران است. مالکیت زمین همواره از دو دسته عوامل تاثیر پذیرفته است: مسائل عمومی مانند، وضع طبیعی، میزان دسترسی به آب و شیوه های آبیاری، بلایای طبیعی، نوع زمین از نظر آبادانی و کشت و کار، و مسائل خاص هر دوره مانند، رویکرد حکومتگران نسبت به زمین و مالکیت آن، نوع واگذاری های زمین، اهمیت و نقش ملاکان در حیات سیاسی و اجتماعی و حقوق مالکیت زمین.

روش تحقیق مورد استفاده در این پایان نامه، روش تاریخی است. در این روش سعی می شود که با بهره گیری از منابع تاریخی و تحقیقات جدید و با نگرش نقادانه موضوع را به انجام رسانیده و البته با توجه به رویکرد حقوقی موضوع از متون حقوقی نیز استفاده شده است.

دوره ی مغولان تحولات عمده ایی در مالکیت و حقوق مالکیت و واگذاری های ارضی به وجود آورد. این تحولات ناشی از عواملی بود: نگرش خصمانه مغولان به یکجانشینی و فجایع انسانی ناشی حمله آنان، ورود یاسا به عنوان مهم ترین مبنای حقوقی و رفتاری مغولان که اطاعت از آن بر همه اجباری بود، ماهیت غیر شرعی یاسا و چالش آن با شرع. تغییر نحوه واگذاری های زمین از سوی حاکمیت، موجب شکل گیری مالکیت کلان زمین وابسته به حکومت شد. با اصلاحات غازان تلاش های جدی برای حل تضاد شرع و یاسا در بحث واگذاری های ارضی و اصلاح وضع مالکیت صورت گرفت اما با مرگ غازان این امر ناکام ماند.

تیمور و جانشینان او واکنش های متفاوتی نسبت به شرع و یاسا داشتند. تزوکات تیموری به کشاورزی و مالکیت زمین نظر مثبتی داشت. اگرچه در دوره تیموریان تلاش هایی برای بهبود وضعیت مالکیت و نوع بهره برداری زمین صورت گرفت با این حال این اقدامات نتوانست در سطح تاثیر گذاری ملاکان خصوصی در حیات اجتماعی و سیاسی ایران تحولی ایجاد کند.

واژگان کلیدی: مالکیت خصوصی زمین، حقوق

مالکیت، شرع، عرف، یاسا، تزوکات، مغولان، ایلخانان، تیموریان.

فهرست مطالب

صفحه	موضوع
۱	مقدمه
۹	طرح تحقیق
۹	- بیان مساله و اهمیت موضوع
۱۰	-سؤالات تحقیق
۱۱	-فرضیات تحقیق
۱۱	-اهداف تحقیق
۱۲	-محدودیت های تحقیق
۱۳	-ادبیات تحقیق
۱۷	-روش انجام تحقیق
۱۹	-تعاریف و مفاهیم
۳۱	-بررسی و نقد منابع تحقیق
	فصل اول
۴۳	نگاهی به گذشته
۴۳	۱- زمین و مالکیت آن در پیش از اسلام
۵۷	۲-تحولات ساختاری مالکیت زمین در ایران اسلامی-دو قرن اول هجری
۶۳	۳- مسائل مالی و مالیاتی در قرون اولیه هجری
۷۶	۴- الگوی اولیه اسکان اعراب در ایران و نقش آن در مالکیت زمین
۱۰۰	۵- سده های چهارم تا هفتم هجری آغاز تحولات اساسی در مفهوم مالکیت زمین
	فصل دوم
	مالکیت خصوصی زمین و مناسبات ارضی در دوره مغول - ایلخانی
۱۴۳	۱-اوضاع مالی و ملکی ایران از ابتدای هجوم مغول تا تشکیل حکومت ایلخانان
۱۵۰	۲-هجوم مغول -اعتلای چادرنشینی ، ضعف یکجا نشینی
۱۵۵	۳-اوضاع زمین داری ایران در آستانه هجوم مغول
۱۵۹	۴- آشفتنگی در مالکیت و قواعد مربوط به مالکیت زمین در دوره مغول
۱۷۳	۵-تقسیم بندی انواع زمین در دوره مغول
۱۸۸	۶- مالیات و مسائل مالی از حمله مغول تا تشکیل حکومت ایلخانی
۱۹۸	۷- اوضاع ملکی و زمین داری ایران از تشکیل حکومت ایلخانی تا اصلاحات غازان
۲۵۱	۸- اصلاحات غازان و نقش آن در مالکیت زمین
۲۸۰	۹- اقطاع در دوره غازان و نقش آن در مناسبات ارضی

۳۰۴ ۱۰- اوضاع ملکی و مالی ایران پس از غازان تا فرو پاشی ایلخانان

۳۱۶ ۱۱- مسائل کلی زمین داری در دوره ایلخانان

فصل سوم

۳۲۳ مسائل زمین داری ایران در دوران فترت پس از ایلخانان تا برآمدن تیموریان

۳۲۳ ۱- تحولات در مفهوم و ساختار حقوقی مناسبات ملکی

۳۳۲ ۲- مالکیت خصوصی و اراضی شخصی

۳۳۹ ۳- مصادره و غصب املاک در دوران فترت

۳۴۳ ۴- مالیات و اصول مالی در دوره فترت

۳۵۱ ۵- مسائل کلی زمین داری در دوره فترت

فصل چهارم

۳۵۹ دوره تیموریان و تحولات مالکیت زمین

۳۵۹ ۱- تیموریان و مالکیت زمین

۳۸۴ ۲- مالکیت خصوصی زمین در دوره تیموریان و عوامل بازدارنده رشد آن

۴۱۶ ۳- اقدامات تیموریان در جهت بهبود زمین داری و مالکیت آن

۴۳۳ ۴- مسائل کلی زمین داری در دوره تیموریان

۴۳۷ ۵- مسائل عمومی و حقوقی زمین داری در دوره حاکمیت ترکمانان

۴۵۵ نتیجه

۴۶۰ منابع و ماخذ

تاریخ زمین داری ایران و شیوه های متفاوت مالکیت زمین از عوامل مؤثر در شکل دهی سیمای تاریخ کشورمان در ادوار مختلف می باشد. کنش ها و واکنش های متفاوت مردم ایران در برابر اتفاقات سیاسی، مهاجمان خارجی و داعیه داران قدرت سیاسی تا حدود زیادی تابعی از وضعیت ملکی آنان و رویکرد قدرت سیاسی نسبت به مالکیت بود. انواع مالکیت های زمین که هر کدام بار معنایی و حقوقی خاصی داشت و نیز وضعیت درآمد حکومت ها که اغلب ریشه در زمین و تولیدات طبیعی داشت این تصور را که حکومت متکی بر کشاورزی است، شکل داد. چون کشاورزی و اقتصاد طبیعی وابسته به زمین است بنابراین می توان گفت که حکومت به نوع نگرش حاکم به مالکیت افراد بستگی دارد. به طوری که در طول تاریخ حکامی که به مالکیت خصوصی احترام می گذاشتند، چهره ی مطلوبی از آنان در تاریخ ترسیم شده است.

در مناسبات ارضی و مالکیت زمین برخی مسائل عام وجود دارد که اختصاص به دوره ای خاص ندارد، از جمله ی این مسائل می توان به میزان بهره وری زمین، آب و هوا، مشکلات جوی و جنگ اشاره کرد. این مسائل تقریباً پیامد هایی یکسانی در سیمای مناسبات ارضی دارد. اما علاوه بر مسائل عام، همواره در ادوار مختلف تاریخ اقتصادی ایران مسائل ویژه ای که اختصاص به همان دوره دارد، روند مالکیت زمین و مناسبات ارضی را متمایز می ساخت از جمله این مسائل می توان به نوع خاص واگذاری های زمین و رویکرد حکومت ها نسبت به مالیات و شبکه آبیاری و گسترش و کاهش املاک سلطنتی اشاره کرد.

مالکیت و بهره برداری از زمین به عنصر امنیت وابسته است. زمانی که عنصر امنیت دچار بحران می شد بلافاصله مالکیت زمین نیز به چالش کشیده می شد. حمله ی مغول و حوادث سیاسی و نظامی ناشی از آن در مناسبات ملکی تاثیراتی به جای گذارد که تا حدود

۳ قرن آثار آن باقی ماند. جدای از فجایع انسانی و نابودی زیر بناهای اقتصادی ایران، که از نتایج فوری این حملات بود، ماهیت حقوقی و نوع ارتباط حاکمیت با زمین و زمینداران نیز دچار تغییرات اساسی شد. ساختار قدرت سیاسی مغولان برای اعتلای رهبری و افزایش اقتدار سیاسی، مراتع وسیعی را تحت عنوان یورت و الگا برای واحدهای ایلاتی که عامل پشتیبانی نظامی خان مغول بودند فراهم آورد، این امر موجب تغییر کاربری وسیع زمین در ایران شد. گسترش زمین های بایر که نتیجه ی کشتار ملاکین و زارعان و یا فرار آنان بود، بحث موات را به عنوان چالش جدی در مالکیت زمین مطرح نمود، اگرچه مسئله زمین های موات و بائر اختصاص به این دوره نداشت، اما افزایش آن و تنوع دلایل شکل دهنده ی آن این امر را در این دوره متمایز می سازد. تحول در املاک خالصه و خاصه یعنی املاک متعلق به شاه و خانواده سلطنتی و املاک دیوانی و دولتی، در دوره ی مغول و ورود اصطلاحاتی مانند دالای، اینجو، یورت، اولوس که ناظر بر زمین و نحوه تملک آن بود، تغییرات گسترده ای در زمینداری ایران به وجود آورد. مهمترین تحول، وابستگی زارع و نیروی انسانی به زمین بود که ریشه در یاسای چنگیزی داشت. اگر چه نشانه هایی از این امر در ایران پیش از اسلام نیز وجود داشت با این حال وابستگی نیروی انسانی به زمین در دوره ی مغول تاثیرات دیر پای در زمینداری و مناسبات ارضی به وجود آورد.

از نقطه نظر حقوقی، رفتارها و روابط اقتصادی مردم تا پیش از ورود مغولان تابعی از شرع و عرف بود. در برابر شرع که تقریبا بر مبانی ثابتی استوار بود و تغییر در آن دشوار و در برخی موارد غیر ممکن بود، عرف سنتی جاری بود و در برابر تغییرات سیاسی و اقتصادی واکنش نشان می داد. عرف حتی بستر اصلی نهادینه شدن شرع در جامعه تلقی می شد و به همین دلیل ارتباط تنگاتنگی با شرع داشت. سلجوقیان در قرن پنجم وارد ایران شدند، اینان دارای سنن قبیله ای خاصی بودند و به همین دلیل عرصه ای از چالش میان عرف ایرانی و

سنن ترکمانان سلجوقی شکل گرفت که هیچگاه به مرحله حادی نرسید. این امر به دلیل مسلمان بودن سلجوقیان و اتکای آنان بر عنصر دیوانی ایرانی و افرادی مانند عمیدالملک کندری و خواجه نظام الملک بود. با ورود مغولان به ایران تضاد سنت های قبیله ای مغولان، که در قالب یاسا تا حدود زیادی نهادینه شده بود، با عرف ایرانی و شرع اسلام به اوج رسید. نگرش های مالی و ملکی مغولان آشفتگی حقوقی عمیقی در زمینداری و الگوی مالکیت زمین به وجود آورد، این امر با فقدان استراتژی ارضی تا پیش از غازان بغرنج تر شد و فضای مالکیت ارضی ایران شاهد تداخل عجیب انواع مالکیت های مشروط و غیر مشروط گردید به طوری که کشیدن خط فاصله میان انواع مالکیت ها و چهارچوب حقوقی مالکیت و واگذاری های ارضی تا حدود زیادی دشوار است. ورود انواع گوناگون مالیات ها که بسیاری از آن ها ریشه در سنن مغولی داشت و تنوع مراکز وصول مالیات، مسائل زمینداری را پیچیده تر نمود.

غازان و وزیر او خواجه رشیدالدین تلاش زیادی کردند تا تضاد میان شرع و یاسا را رفع کنند. اصلاحات غازان در امور مالی و ملکی با تاکید بر صحت قبایله های املاک و رفع دعاوی ملکی نخستین استراتژی ارضی در دوره مغول بود که تا دوره ی شاه تهماسب اول صفوی بارها مورد توجه حکامی چون تیمور، شاهرخ، اوزون حسن و سلطان یعقوب آق قویونلو قرار گرفت.

تیمور که بعد از حدود نیم قرن آشوب دوران بعد از فروپاشی ایلخانان به قدرت رسید، با فجایع انسانی وسیع تر از مغولان سعی داشت نظمی مبتنی بر قدرت بلامنازع خویش به وجود آورد که در آن تجارت و کشاورزی در جهت اعتلای حاکمیت او گام بر دارد. او حتی با تدوین قوانینی تحت عنوان تزوکات، که در درستی انتساب آن به او تردید وجود دارد، قصد داشت این نظم هدفمند را عملی نماید. نگرش اقتصادی و مدنی تزوکات

نسبت به یاسای چنگیز بیانگر تحولاتی در مبانی حقوقی مالکیت افراد بود، البته این تحول چندان چشمگیر نبود. اما تلاش هایی که او و شاهرخ برای کاستن نفوذ یاسا انجام دادند نمونه ای شد که بعدها توسط اوزون حسن و سلطان یعقوب پی گیری شد.

آنچه در رساله ی حاضر مورد توجه قرار گرفته است بررسی وضعیت زمینداری و مالکیت زمین در دوره ای است که با هجوم مغول آغاز و با به قدرت رسیدن صفویان به پایان می رسد. علاوه بر عوامل بازدارنده ی مالکیت خصوصی زمین که محور اصلی مورد بحث رساله است سعی گردیده با هدف قرار دادن مبانی حقوقی موجود در جامعه ایران یعنی عرف و شرع، تحولات آن را با ورود یاسا مورد توجه قرار داده و عناصر چالش برانگیزی که مالکیت زمین را تحت تاثیر قرار داد، بررسی شده است. بنابر این در ۴ فصل اصلی رساله موضوعات زیر مورد بررسی قرار گرفته است.

در فصل اول که حکم مقدمه ای تفصیلی دارد، خطوط اصلی مالکیت زمین و مبانی حقوقی آن از دوره های پیش از ورود اسلام به ایران تا دوره مغول بررسی شده است. روند شکل گیری سنت های ایرانی در دوره پیش از اسلام و باقی ماندن آن در عرف ایران بعد از اسلام و ارتباط آن با شریعت اسلامی در بحث زمین موجب شده که چالش حقوقی حادی را در این دوره شاهد باشیم. مهمترین اتفاق در ابتدای ورود اسلام، تقسیم انواع زمین بر مبانی مختلف از جمله واکنش به فاتحان و وضعیت آبادی آن بود. بر اساس این تقسیمات رسوم مالی تعریف می شد که جنبه ی دینی و شرعی داشت. از قرن سوم هجری به تدریج چالش میان شرع و سنت های ایرانی حل شد، البته این چالش به طور کامل رفع نشد. مالکیت نهایی زمین مساله ایی بود که در این دوره به خلیفه و سپس سلطان اجازه داد که به واگذاری های متعدد زمین به افراد لشکری و دیوانی و اقشار صاحب نفوذ جامعه مانند علما و سادات پردازند به همین دلیل سیمای مالکیت شخصی مخدوش گردید، زیرا به تدریج مقطعان و

دریافت کنندگان زمین از حکومت در کسوت اشرافیت زمیندار وابسته به حکومت درآمدند و اصل استقلال که از ارکان مالکیت شخصی و خصوصی است زیر سؤال رفت. دهقان ایرانی به عنوان مهم ترین طبقه زمیندار در برابر شرایط پیش آمده آسیب جدی دید.

در فصل دوم، تحولات مالکیت زمین در دوره ی مغول و ایلخانان مورد پژوهش قرار گرفته و در آن این سؤال مطرح گردیده که ورود یاسا و سنن چادر نشینی مغولان چه تأثیری بر سنت های ایرانی و شرعی در مورد مالکیت زمین داشت؟ ورود یاسا و رسوم مالی ویژه ی مغولان و تأثیر آن در وضعیت املاک خصوصی موضوع دیگری است که در این فصل بررسی شده است. عوامل مؤثر در شکل گیری مالکیت های کلان زمین و ظهور ملاکین بزرگ وابسته به حکومت و دیوان و تأثیر آن در مالکیت های شخصی با این فرضیه که ایلخانان تا پیش از غازان فاقد سیاست ملکی خاصی بودند و اینکه آنها بیش از هر چیز به فکر کسب درآمد از قلمرو بودند، تأیید می گردد. اصلاحات غازان و میزان تأثیر آن بر اوضاع مالکیت و اعتلای زودگذر مالکیت شخصی موضوع دیگر در این فصل است.

در فصل سوم دوران فترت پس از فروپاشی ایلخانان تا بر آمدن تیمور بررسی شده و این فرضیه مطرح شده که حکومت محلی در صورت عدم تنش داخلی و خارجی می توانستند در بهبود وضعیت مالکیت خصوصی مؤثر باشند و در دورانی کوتاه این امر را اثبات نمودند، اما اشتغال آنان به درگیری با رقبای قدرت مانع از تدوین یک سیاست ارضی مشخصی از سوی آنان شد. وضعیت یاسا و شرع در این دوره و ارتباط آنها با هم و تأثیر آن در مالکیت با تفصیل مورد پژوهش قرار گرفته است.

در فصل پایانی دوره تیموریان را با تأکید بر دو دوره تیمور و شاهرخ بررسی نموده و این فرضیه که تیموریان با نگرشی منسجم تر به مقوله مالکیت می نگریستند، مطرح و دلایل و شواهدی که این فرضیه را تأیید می کند، مورد پژوهش قرار گرفته است. در این

دوره عواملی بازدارنده و عواملی تسهیل کننده وضعیت ملاک خصوصی بود که به تفصیل بررسی شده است. در پایان این فصل به تلاش های حکام ترکمان مانند اوزون حسن و سلطان یعقوب آق قوینلو به از میان بردن چالش شرع و یاسا در قالب تدوین قانون نامه و انجام اصلاحات پرداخته شده است. این اصلاحات در بسیاری موارد سطحی و واکنشی در برابر قدرت های گریز از مرکز بود و از عمقی که اصلاحات غازان داشت بی بهره بود. دلایل این امر و تأثیر آن در اوضاع ملکی این دوره بررسی شده است.

بدون شک محدودیت های متعددی برای پژوهش حاضر و نیز تحقیق در تاریخ اقتصادی ایران وجود دارد. نبود آمارهای مستدل و قابل استناد و تناقض مشهود آمارها در منابع تاریخی مانع از ارائه یک تصویر روشن از حیات اقتصادی ایران در ادوار گذشته می شود. از آنجایی که بحث زمین و مالکیت آن به ارائه آمارهایی در زمینه های چون نرخ مالیات و تغییر آن در طول زمان، وضعیت ارزش پول و نقش آن در ارزش و بهای ملک، آمار جمعیت مناطق مختلف و تغییرات آن در طول دوره ی مورد تحقیق و آمار جابجایی های جمعیت بستگی دارد، نبود این آمارها، تحقیق را از دقت کامل خارج مینماید. مطالعه و تحقیق در تاریخ دوره ی مغولان و تیموریان مستلزم رجوع به منابع غیر فارسی و به ویژه منابع ترکی، مغولی و چینی میباشد، عدم دسترسی به این منابع و دشواری ترجمه متون مغولی و چینی محدودیت هایی برای تحقیق اینجانب به وجود آورد، البته محقق با مراجعه به ترجمه های فارسی و انگلیسی این متون و نیز مأخذ ترکی تا حدودی این نقص را بر طرف نمود.

یادآوری این نکته را ضروری می دانم که تفصیل مطالب و بیان نقل قول های طولانی و گاه ملال آور در جهت تبیین نظریات نگارنده بوده و در برخی موارد مانند اصلاحات

غازان نقل قول های طولانی رشیدالدین فضل الله پاسخی روشن به سئوالات رساله بوده که گریزی از آن نبود.

در پایان از زحمات اساتید عزیزم به ویژه استاد گرامی جناب آقای دکتر خلعتبری که راهنمایی رساله اینجانب را بر عهده داشته و جدای از کمک های پیدریغ ایشان در انتخاب موضوع و هدایت موضوع در یک روند علمی، پدرانۀ لغزش های علمی اینجانب را همواره گوشزد نموده اند، جناب آقای دکتر حسنی مشاور رساله بر اینجانب منت نهاده و با تیز بینی و دقت نظر در شیوه ی اجراء پژوهش از آغاز تا انجام رساله مرا یاری رساندند. جناب آقای دکتر سلیمانی با مشاوره های بیجا، نکاتی را در مورد شیوه بخش بندی رساله و شیوه تحلیل تاریخی یاد آوری نمودند که بدین وسیله از ایشان نهایت سپاس را دارم. جناب آقای دکتر منصور بخت در مورد روش تحقیق رساله تذکرات خوبی ارائه نمودند که در فرایند تحقیق اینجانب راه گشا بود و بنده را مدیون لطف خود نمودند. اساتید بزرگوار گروه تاریخ دانشگاه بهشتی به ویژه جناب آقای دکتر شعبانی، جناب آقای دکتر بیگدلی و جناب آقای دکتر اکبری با دلگرمی هایی که به اینجانب دادند مرا شرمندۀ لطف خویش نمودند. دوست گرامی آقای صبوری در ترجمه متون ترکی مرا یاری می رساندند. مشاوره ها و مراجعات گاه و بیگاه اینجانب خدمت اساتید گرامی آقایان دکتر امامی خوئی و دکتر وهاب ولی راه گشا بود که از آنها صمیمانه قدردانی مینمایم.

مسئولین کتابخانه های گروه تاریخ دانشکده ادبیات و کتابخانه ی مرکزی دانشگاه شهید بهشتی، مسئولین کتابخانه های ملک و مجلس شورای اسلامی، بنیاد دایره المعارف اسلامی و کتابخانه و مرکز اسناد ملی نیز همکاری صمیمانه ایی با اینجانب جهت دسترسی به منابع تحقیق داشتند که از زحمات آنها سپاسگزارم. همسر و یگانه فرزندم ژینا در مدت چهار سالی که انجام رساله به طول انجامید همواره با صبوری بدخلقی های محقق را تحمل نموده

و مشوق اصلی انجام رساله بودند، آرزوی سلامتی آنها را دارم و این رساله را به محضر
جمله ی عزیزانی که نام بردم تقدیم مینمایم.

سامانه های تحقیق

(۱) بیان مسأله و اهمیت تحقیق

زمین و نوع مالکیت آن همواره در تاریخ ایران اهمیت داشت. اهمیت زمین برای مردم و حکمرانان موجب تحولاتی در روابط میان طبقه حاکم و عامه مردم شد. با ورود اسلام به ایران از یک سو خلیفه و از قرن پنجم هجری به بعد، سلطان که مالک نهایی زمین تلقی می شدند به زمین به عنوان یکی از ابزارهای مهم تثبیت حاکمیت می نگریستند، از دیگر سو مردم به ویژه دهقانان و ملاکین برای حفظ مالکیت خویش و اینکه مالکیت به عنوان یک حق و نه یک امتیاز باشد، تلاش می کردند. دوره مغول در عرصه ی زمینداری و مالکیت زمین تحولاتی به وجود آورد. سقوط خلافت عباسی در بغداد تئوری مالکیت نهایی زمین را به چالش کشید در ضمن مغولان سنت هایی مبتنی بر واقعیات زندگی چادرنشینی داشتند که در یاسای چنگیز خان تجلی یافته بود. یاسا در تضاد با سنت های ایرانی و شریعت اسلام بود. روند وابستگی زارع به زمین که تا دوره صفوی کمابیش باقی ماند، انتقال برخی مالیات ها از زمین به فرد، افزایش زمین های بدون مالک و بایر، تبدیل اراضی کشاورزی به مرتع و یورت و شکل گیری زمینداری کلان وابسته به حکومت که از نتایج حمله مغول به ایران بود سیمای مالکیت زمین را دگرگون ساخت. غازان طی اصلاحاتی تلاش کرد شکاف میان شرع و یاسا را کاهش دهد که به نتیجه ی پایداری منجر نشد. این اصلاحات توسط چند تن از شاهان تیموری و آق قویونلو پی گیری شد که تا حدودی توانست از نفوذ یاسا در جامعه و در بحث مالکیت بکاهد.

در دوره تیموریان توجه حکومت به زمین و کاربری آن نسبت به دوره ی مغولان و ایلخانان تغییر محسوسی کرد. تیمور مدعی بود شهر سمرقند ملک شخصی و شرعی او است. این داعیه و گسترش رونداحداث باغ در این دوره نمایانگر توجه تیموریان به زمین بود.

تزوکات تیموری اقتباسی بود که تیمور از یاسا داشت اما نتوانست تأثیر چشمگیری در مبانی حقوقی مالکیت زمین ایجاد کند.

در اواخر قرن نهم تلاش های جدی به وسیله حکام آق قویونلو برای کاستن از نفوذ یاسا صورت گرفت که در دوره ی صفویه به نتیجه رسید. علاوه بر این تیموریان با قبول تأثیراتی عمیق از نگرش مغولان در مورد مالکیت خصوصی زمین، تلاش هایی برای اصلاح روش های زمینداری انجام دادند. احیاء نسبی زمین های بایر و موات، کاهش نسبی مالکیت های عمده زمین وابسته به حکومت، احیاء شبکه آبیاری و ماهیت اقتصادی و نسبتاً شرعی تزوکات در برابر یاسا و کاهش روند مصادره و غصب به نسبت دوره مغول و ایلخانان موجب بهبود وضعیت مالکیت خصوصی در دوره تیموریان شد. اما در دوره حاکمیت ترکمانان سیورغالداران بزرگ وابسته به حکومت موجب تضعیف مالکیت خصوصی و در نهایت فروپاشی حاکمیت آق قویونلوها شدند. کاهش سطح تأثیر گذاری ملاکین و انفعال آنان در حیات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی مهمترین نتیجه ی پایدار این دوره بود.

متغیر مستقل: مالکیت خصوصی، زمینداری

متغیر وابسته: شرع، یاسا، تزوکات، مغول، ایلخانان، تیموریان

(۲) سؤالات تحقیق

سؤال اصلی - علل و عوامل مهم در تحول و دگرگونی مالکیت خصوصی در دوران ایلخانان و تیموریان چیست؟

سؤالات فرعی:

۱- دیدگاه حقوقی و اقتصادی یاسا در مورد مالکیت خصوصی زمین چیست؟

۲- علل و عوامل چالش شرع و یاسا در مورد مالکیت زمین چیست؟

۳- تفاوت یاسای چنگیز و تزوکات تیموری در بحث مالکیت زمین چیست؟

۴- علل و عوامل تحول مالکیت خصوصی زمین در دوره ی تیموریان کدام است؟

۵- تقابل سنت های چادرنشینی با مبانی زمینداری ایران چه پیامدهایی داشت؟

(۳) فرضیات تحقیق:

فرضیه ی اصلی: چالش مبانی زمینداری ایران که ریشه در سنت های ایرانی و شریعت اسلام داشت با یاسای چنگیز خان و سنت های چادر نشینی در مالکیت خصوصی زمین تأثیر گذاشت.

دیگر فرض ها

۱- تزوکات تیموری در برابر یاسا شرایط مناسب تری برای مالکیت خصوصی زمین فراهم آورد.

۲- شرایط سیاسی و اجتماعی دوره مغول و تیموریان موجب جابجایی های وسیع نیروی انسانی در ایران شد و این امر در انفعال و پایین آمدن سطح تأثیر گذاری دهقانان و ملاکین در حیات سیاسی و اجتماعی جامعه نقش اساسی داشت.

۳- یاسا و چالش آن با شرع و عرف زمینداری ایران، فضای مالکیت زمین را آشفته و ابهام آمیز نمود.

(۴) اهداف تحقیق

هدف اصلی: شناسایی و مقایسه وضعیت حقوقی و اقتصادی مالکیت خصوصی زمین در ایران دوره مغولان و تیموریان.

اهداف دیگر:

۱- بازشناسی تفاوت ها و تشابهات رویکرد یاسای چنگیز خان و تزوکات تیموری در مورد

مالکیت خصوصی زمین

- ۲- شناسایی عواملی که موجب شد مالکیت از یک حق به یک امتیاز تبدیل شود.
- ۳- بررسی پیامدهای پایدار تضاد شرع و یاسا در الگوی مالکیت خصوصی زمین.
- ۴- شناسایی نقش تحولات مالیاتی در دوران مغولان و تیموریان در ضعف مالکیت خصوصی زمین.

(۵) محدودیت های تحقیق

تحقیق در تاریخ اقتصادی و تکیه بر مبانی حقوقی عصر حاکمیت ایلخانان و تیموریان که موجب برخی تغییرات و دگرگونی های پایدار در تاریخ اقتصادی شد، توجه بسیاری از محققان را برانگیخته است. اما تحقیق در مورد تاریخ اقتصادی ایران به ویژه در این دوران با دو دسته مشکل اساسی مواجه است:

اولین دشواری، نبود داده های آماری و اطلاعات کمی دقیق و قابل اعتماد می باشد. آمارهای موجود در منابع تاریخی در بسیاری از موارد متناقض و به شدت تخمینی و فاقد دقت است و این امر مانع از ارائه تصویری روشن از واقعیات اقتصادی آن دوره می شود. نکته دوم در ماهیت زمینداری این دوره و بازتاب آن در منابع می باشد. آمیختگی زیاد انواع مالکیت های زمین و عدم امکان کشیدن خط فاصل میان انواع زمینداری در این دوره کار تحقیق را دشوار می نماید. به عنوان نمونه تفاوت میان اینجو و دالای که دو نوع اصلی زمینداری در دوره مغولان است در منابع مشخص نیست و محققانی چون لمبتون هم نتوانسته اند تفاوت موجود را درک کنند. علاوه بر آن تفاوت میان زمین های خالصه و خاصه در بسیاری موارد بقدری ناچیز است که میتوان آن دو را در واقع یکی انگاشت.

در این رساله علاوه بر دو مشکل فوق، عدم دسترسی به منابع مغولی و چینی و ترکی و دشواری استفاده از آن، محدودیت مهمی بود که محقق تلاش نمود با مراجعه به ترجمه های این منابع تا حدودی این مشکل را رفع نماید.

(۶) ادبیات تحقیق

علیرغم مشکلاتی که در بالا اشاره شد، محققان زیادی در مورد مسائل کلی این دوران و از جمله زمین داری تحقیق کرده اند، اما بیشتر این تحقیقات به علت مشکلات اشاره شده، در فرآیند رساله کمک شایان توجهی نکردند. در این میان آثار خانم لمبتون و پطروشفسکی تاحدودی متفاوت تر از سایر تحقیقات بوده و بیشتر مورد استناد نگارنده قرار گرفته است. کتاب مالک و زارع اثر لمبتون دید کلی و عام نسبت به مسائل زمینداری ایران تا دوره معاصر دارد و به همین دلیل، علیرغم اتکاء به منابع و مآخذ قابل توجه، از مسائل خاص دوره ی مغول تا حدود زیادی غفلت نموده است. این نقص را وی در اثر دیگرش یعنی "تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران" تا حدودی برطرف نموده است. نگارنده در رساله سعی کرده ضمن نقد تحلیل های ایشان از برخی استنادات و تحلیل های مستند آثارش به ویژه در بحث مسائل مالیاتی و چالش حقوقی میان شرع و یاسا استفاده نماید.

پطروشفسکی در کتاب "کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول" به صورت مشخص دوره ی مغول را هدف قرار داده و دستاورد علمی وی در چهار چوب اندیشه های سوسیالیستی به این نتیجه ختم می شود که فتودالیسم ایرانی با همراهی حاکمیت بیگانه مغولان موجبات شورش دهقانی را فراهم آوردند که این تعبیر به هیچ وجه از دقت علمی برخوردار نمی باشد، اما در ارائه آمار توصیفی در مورد آسیب های اقتصادی مغولان بر پیکر کشاورزی و زمینداری اطلاعات او مورد استفاده قرار گرفته است. علاوه بر این می توان به موارد زیر اشاره کرد: